

مقایسه هوش معنوی دانش آموزان ورزشکار نخبه و عادی با

غیرورزشکار مقطع متوسطه

علی فرمائی،* مرتضی طاهری،** خدیجه ایران دوست***

چکیده

پژوهش حاضر با هدف مقایسه هوش معنوی میان دانش آموزان ورزشکار نخبه و عادی با غیرورزشکار پسر سطح متوسطه در استان قزوین صورت گرفت. روش مطالعه در این پژوهش از نوع مطالعات علی پس از وقوع است. جامعه آماری نیز تمامی دانش آموزان پسر سطح متوسطه در استان قزوین هستند. بدین منظور، ۹۰ نفر، ۳۰ ورزشکار نخبه و ۳۰ ورزشکار عادی و ۳۰ غیرورزشکار، از ۱۶۴۵ دانش آموز پایه اول و دوم و سوم انتخاب شدند که همگی در سال تحصیلی ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۴ مشغول به تحصیل بودند. ورزشکاران

*کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد کرج.

akhlagh@dte.ir

**استادیار دانشگاه بین المللی امام خمینی (ع.ج.ا.ع).

taheri_morteza@yahoo.com

***استادیار دانشگاه بین المللی امام خمینی (ع.ج.ا.ع).

akhlagh@dte.ir

تاریخ تأیید: ۱۳۹۴/۱۲/۰۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۰/۰۱

عادی و غیرورزشکار به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده و ورزشکاران نخبه از طریق نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. همچنین، برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسش‌نامه استاندارد هوش معنوی استفاده شد. نتایج این پژوهش با استفاده از روش‌های آمار توصیفی و روش‌های آماری تحلیل واریانس یک‌راهه و آزمون کروسکال والیس گروه‌های مستقل به دست آمد. نتایج نشان داد که بین هوش معنوی دانش‌آموزان ورزشکار نخبه و ورزشکار عادی و غیرورزشکار مقطع متوسطه تفاوت معناداری وجود دارد ($p \leq 0/05$). همچنین، تفاوت معناداری بین خرده‌مقیاس‌های هوش معنوی مشتمل بر درک و ارتباط با سرچشمه هستی و زندگی معنوی با اتکا به هسته درونی در سه گروه دانش‌آموزان غیرورزشکار و ورزشکار نخبه و ورزشکار عادی وجود داشت ($p \leq 0/05$). در مجموع، این پژوهش نشان داد، هوش معنوی و مؤلفه‌های آن در دانش‌آموزان ورزشکار نخبه از ورزشکاران عادی و دانش‌آموزان غیرورزشکار بهتر است که این نتیجه تأییدی بر تأثیر فعالیت بدنی و قهرمانی بر هوش معنوی است.

واژگان کلیدی

هوش معنوی، ورزشکار، نخبه، سرچشمه هستی.

طرح مسئله

در سال‌های اخیر، مفهوم هوش فقط به عنوان توانی شناختی در نظر گرفته نمی‌شود؛ بلکه به حوزه‌هایی دیگر، مثل هوش هیجانی و هوش طبیعی و هوش وجودی گسترش یافته است. پس از گسترش مفهوم هوش به سایر قلمروها و ظرفیت‌ها و توانایی‌های انسان و به‌خصوص مطرح شدن هوش هیجانی در

روان‌شناسی، ایمونز در سال ۲۰۰۰، سازه جدیدی را با عنوان هوش معنوی مطرح کرد. هوش مفهومی است که از دیرباز علاقه‌مندی به پژوهش و تفحص درباره ابعاد و ویژگی‌ها و انواع آن بسیار مشاهده شده است. هوش معنوی مجموعه‌ای از توانایی‌ها برای بهره‌گیری از منابع دنیایی و معنوی است. مفهوم تحلیلی غرب از هوش، بیشتر شناختی است و شامل پردازش داده‌ها می‌شود؛ درحالی‌که رویکرد ترکیبی شرق نسبت به هوش و مؤلفه‌های گوناگون عملکرد و تجربه انسان، از جمله شناخت شهود و هیجان را در ارتباطی یکپارچه دربرمی‌گیرد.

به‌طورکلی، هوش باعث سازگاری فرد با محیط می‌شود و روش‌های مقابله با مشکلات را در اختیار او قرار می‌دهد. همچنین توانایی شناخت مسئله، بیان راه‌حل پیشنهادی برای حوزه‌های گوناگون زندگی و کشف روش‌های کارآمد حل مسائل از ویژگی‌های افراد باهوش است (کینگ، ۲۰۰۹). یکی از موضوعات مهم و جالب در حیطه روان‌شناسی ورزشی، هوش معنوی است که تا به امروز، پژوهش‌های چندان منسجم و نظام‌مندی برای شناخت و تبیین ویژگی‌ها و مؤلفه‌های آن، در مقایسه با سایر انواع هوش انجام نشده است (مارک، ۱۹۹۷). در ادامه باید گفت که مطرح‌شدن هوش معنوی، ظرفیت‌های جدیدی را در روان‌شناسی دین و ورزش فراهم کرده است (کینگ، ۲۰۰۹).

همان‌طورکه بیان شد، هوش معنوی که در پایان قرن بیستم به ادبیات علمی روان‌شناسی وارد شد، قادر است کارکرد و سازگاری فرد را نسبت به محیط اطراف پیش‌بینی کند و منجر به افزایش کارایی و اثربخشی در سطح ملی و فراملی شود. این هوش به افراد فرصت می‌دهد، در مقابل واقعیت‌های مادی و معنوی حساس باشند و تعالی خویش را هر روز در لابه‌لای اشیا، مکان‌ها،

ارتباطها و نقشها جست و جو کنند. در مقایسه‌ای که بین افراد دارای هوش معنوی زیاد با افراد دارای هوش معنوی کم صورت گرفت، معلوم شد که افراد دارای هوش معنوی زیاد، ویژگی‌هایی، همچون علاقه‌مندی به زندگی آرام و دل‌نشین، عشق به کار و زندگی، خلاقیت و نوآوری در کسب‌وکار، خدمت به هموعان و وابسته‌نبودن به اطرافیان دارند. خلاقیت باعث می‌شود که انگیزه پیشرفت در آنان افزایش یابد. زوهر و مارشال (۲۰۰۰) معتقدند که هوش معنوی استعداد ذهنی انسان است که آن‌ها را در کارهای معنوی کمک می‌کند و استقامت آن‌ها را در انجام تکالیف روزمره افزایش می‌دهد (زوهر و مارشال، ۲۰۰۰). درخصوص ارتباط هوش معنوی و اخلاق نیز ذکر این مطلب لازم است که دانستن مطالب و قواعد اخلاقی، ارتباط مستقیمی با هوش دارد؛ یعنی هر قدر میزان هوش شخص بیشتر باشد، فراگیری‌اش نیز بیشتر است و هر قدر هوش کمتری داشته باشد، از علم کمتری نیز برخوردار است. در تعریف اخلاق گفته‌اند، اخلاق جمع «خُلُق» است و خُلُق نوعی توانایی روحی است که باعث می‌شود انسان، کارها را به آسانی و بدون فکر انجام دهد.

اهمیت و ضرورت طرح موضوع معنویت و مذهب، به‌ویژه هوش معنوی، از جنبه‌های گوناگون در عصر جدید احساس می‌شود. یکی از این ضرورت‌ها در عرصه انسان‌شناسی، توجه به بُعد معنوی انسان از دیدگاه دانشمندان، به‌ویژه کارشناسان سازمان جهانی بهداشت است که به‌تازگی انسان را موجودی زیستی، روانی، اجتماعی و معنوی تعریف می‌کنند. در راستای این جهت‌گیری معنوی و به موازات بررسی رابطه بین دین و معنویت و دیگر مؤلفه‌های زیست‌شناختی و روان‌شناختی، مثل فعالیت بدنی و سلامت جسم و روان، گروهی از پژوهشگران برای تبیین بعضی از مشاهده‌ها و داده‌ها، درصدد تعریف

مفاهیمی جدید بوده‌اند. سازه هوش معنوی نیز یکی از مفاهیمی است که در پرتو توجه و علاقه جهانی روان‌شناسان به حوزه دین و معنویت مطرح شده و توسعه یافته است. پژوهش‌های فراوانی درباره سایر جنبه‌های هوش، مانند هوش هیجانی و حرکتی برای موفقیت افراد در زمینه‌های گوناگون انجام شده؛ اما پژوهش‌چندانی در حیطه هوش معنوی و فعالیت ورزشی یا ورزشکاران انجام نشده است. از این رو، در این تحقیق هوش معنوی دانش‌آموزان ورزشکار نخبه و عادی با غیرورزشکار مقطع متوسطه مقایسه و بررسی خواهد شد.

پیشینه پژوهش

واتسون و همکاران (۲۰۰۵) در پژوهشی نشان دادند که ورزش و فعالیت بدنی نقشی مهمی در حالت‌های عرفانی و تجربه‌های معنایی دارد (واتسون و نستی، ۲۰۰۵). از طرفی، ناسل (۲۰۰۴) بیان کرد که هوش معنوی بر تربیت افراد تأثیرگذار است. بنابراین، از آنجاکه افراد با هوش معنوی زیاد، انعطاف‌پذیر و در رویارویی با مشکلات توانمند و نسبت به خویشتن بسیار هوشیارند، می‌توان گفت که الهام از ارزش‌ها، وابسته‌نبودن به دیگران و مقاومت در برابر شیوه‌ها و سنت‌های معمول جامعه از ویژگی‌های افراد ورزشکار است. هوش معنوی از روابط فیزیکی و شناختی فرد با پیرامون خود فراتر رفته و وارد حیطه شهودی و متعالی دیدگاه فرد به زندگی می‌شود. هوش معنوی به انسان این توانایی را می‌دهد که اخلاقیات را در درون خود نهادینه کند. این هوش زمینه‌ساز تمام اصولی است که ما به آن‌ها معتقدیم و دربردارنده باورها و هنجارها و ارزش‌های ما در فعالیت‌هایمان است. امروزه، با گسترش روزافزون ورزش‌های حرفه‌ای و به‌حاشیه‌رفتن روح بازی‌گونه ورزش‌ها، موضوع ضعف

اخلاقی در ورزش نیز مطرح می‌شود. هوش معنوی به دلیل پیوندش با معنا، می‌تواند به فرد توان تغییر و تحول بدهد. همچنین، هوش معنوی به فرد کمک می‌کند که با هیجان‌های موجود در زندگی خود، احساس رضایت و شادکامی داشته باشد (کینگ، ۲۰۰۹).

در ادبیات پژوهشی روان‌شناسی ورزش به نقش موضوعات مذهبی و معنوی ورزشکاران پرداخته نشده است؛ اما روان‌شناسی وجودی یکی از رویکردهای روان‌شناختی است که معنا و معنویت و مذهب را در هسته‌های مرکزی انسان قرار می‌دهد. عظیمی و همکاران (۲۰۱۴) در مقاله‌ای با عنوان «ارتباط میان معنویت و ویژگی‌های شخصیتی در ورزشکاران نخبه معلول» نشان دادند که معنویت و همدلی در معلولان ورزشکار در مقایسه با معلولان غیرورزشکار بیشتر است و این یافته مطابق نتیجه پژوهش حاضر است (عظیمی، ۲۰۱۴). بهروزی و همکاران (۱۳۹۲) رابطه بین هوش معنوی و پرخاشگری را در بازیکنان فوتبال پسر در گروه سنی نوجوان، با دامنه سنی ۱۴ تا ۱۷ سال در تیم‌های مس کرمان، مس رفسنجان، فجر سپاسی، فولاد خوزستان و استقلال اهواز بررسی کردند. یافته‌های آنان نشان داد که هرچه هوش معنوی بیشتر باشد، احتمال پرخاشگری ورزشکاران در میدان‌های ورزشی کمتر خواهد بود. همچنین، در این پژوهش معلوم شد که همبستگی مثبت و معناداری بین نمره کلی هوش معنوی و خرده‌مقیاس‌های هوش معنوی، یعنی تفکر انتقادی وجودی، تولید معنی شخصی، آگاهی و توسعه حالت آگاهی، با تاب‌آوری وجود دارد. یافته‌های این تحقیق نیز حاکی از این است که افرادی که از لحاظ هوش معنوی در سطح بالایی قرار دارند، در موقعیت‌های سخت، تحمل بیشتری دارند (بهروزی، ۱۳۹۲). دودو و همکاران (۲۰۱۵) نیز در مطالعه‌ای در آفریقا نشان دادند که اجرای آیین‌های مذهبی میان بازیکنان

نخبه فوتبال، آمادگی‌های روانی زیادی، مانند کاهش ترس و اضطراب، کاهش آسیب و بُرد بیشتر را به همراه دارد.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و دارای طرح پژوهش علی‌مقایسه‌ای است؛ چراکه کارهای مداخله‌ای درخصوص ویژگی مربوط به هوش معنوی از پیش انجام نشده است. جامعه آماری در این تحقیق، تمامی دانش‌آموزان، یعنی ۱۶۴۹ پسر دبیرستان‌های شهرستان قزوین هستند که در سال ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۴ به تحصیل مشغول بوده‌اند. داده‌های لازم با مراجعه حضوری و توزیع پرسش‌نامه‌ها بین دانش‌آموزان جمع‌آوری شد. روش نمونه‌گیری به‌کاررفته درباره ورزشکاران عادی و غیرورزشکار، روش تصادفی ساده و درباره ورزشکاران نخبه، روش در دسترس است. درضمن، پایه اول شامل تمامی رشته‌ها و پایه‌های دوم تا چهارم شامل رشته‌های علوم انسانی و علوم تجربی و ریاضی فیزیک می‌شود. مبنای انتخاب ۳۰ دانش‌آموز نخبه و ۳۰ دانش‌آموز ورزشکار عادی و ۳۰ دانش‌آموز غیرورزشکار، عضویت آنان در تیم‌های گوناگون ورزشی بود. پس از انتخاب نمونه و معرفی پرسشگر، پرسش‌نامه‌ها در اختیار آنان قرار گرفت. برای ارزیابی متغیرهای پژوهش از پرسش‌نامه هوش معنوی عبدالله‌زاده (۱۳۸۷) استفاده شد.

پرسش‌نامه هوش معنوی در ایران توسط عبدالله‌زاده و همکاران (۱۳۸۷) با ۲۹ عبارت طراحی شد. در چرخش واریماکس دو عامل اصلی «درک و ارتباط با سرچشمه هستی» با دوازده پرسش و «زندگی معنوی یا اتکا به هسته درونی» با هفده پرسش به‌دست آمد (عبدالله‌زاده، ۱۳۸۷). رابطه همبستگی بین عامل اول این پرسش‌نامه با پرسش‌نامه هوش معنوی جامع ۸۳ پرسشی آمرام

و درایر (۲۰۰۸) به میزان ۰/۷۶ در سطح ۰/۰۱ به دست آمد. گویه‌های این ابزار دارای گزینه‌های کاملاً مخالفم، مخالفم، تا حدودی موافقم و کاملاً موافقم با نمره ۱ یک تا پنج است که به روش لیکرت نمره‌گذاری شد و دامنه نمره‌ها ۲۹ تا ۱۴۵ است (آمرام، ۲۰۰۸). همچنین، نتایج با استفاده از روش‌های آمار توصیفی، مانند فراوانی، میانگین، انحراف استاندارد و روش آمار استنباطی تحلیل واریانس یک‌راهه انجام شد.

یافته‌های تحقیق

نتایج به دست آمده درخصوص هوش معنوی و زیرمقیاس‌های آن، شامل درک و ارتباط با سرچشمه هستی و زندگی معنوی با اتکا به هسته درونی در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱: توصیف متغیرهای پژوهش در سه گروه دانش آموز

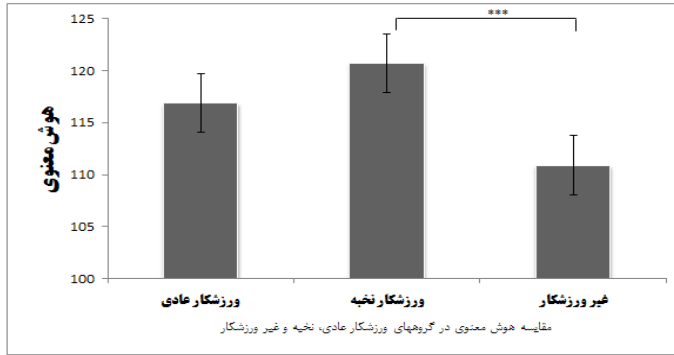
ورزشکار		ورزشکار نخبه		غیرورزشکار		متغیر
انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	
۱۴/۴	۱۱۰/۹	۱۱/۱	۱۲۰/۷	۱۴/۹	۱۱۳/۹	هوش معنوی
۶/۷	۴۷/۷	۶/۲	۵۲/۱	۶/۷	۴۹/۹	درک و ارتباط با سرچشمه هستی
۹/۱	۶۳/۱	۶/۴	۶۸/۶	۹/۶	۶۳/۹	زندگی معنوی با اتکا به هسته درونی

همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود (آزمون کروسکال‌والیس)، بین هوش معنوی دانش‌آموزان ورزشکار نخبه و ورزشکار عادی و غیرورزشکار مقطع متوسطه تفاوت معناداری وجود دارد ($X=9/19, p=0/010$). از طرف دیگر، این اختلاف بین درک و ارتباط با سرچشمه هستی هوش معنوی در دانش‌آموزان ورزشکار نخبه و ورزشکار عادی و غیرورزشکار مقطع متوسطه نیز معنادار است ($X=7/12, p=0/028$). از این رو، به منظور تعیین منبع تفاوت بین گروه‌ها از مقایسه‌های دوبه‌دو با تعدیل سطح آلفا استفاده شد که نتایج آن در شکل ۱ و ۲ مشهود است.

جدول ۲: نتایج آزمون کروسکال‌والیس

Sig	Df	X2	متغیر	
0/010	۲	۹/۱۹	هوش معنوی	مقیاس
0/028	۲	۷/۱۲	درک و ارتباط با سرچشمه هستی	خرده‌مقیاس

نتایج نشان داد که هوش معنوی دانش‌آموزان ورزشکار نخبه از دانش‌آموزان غیرورزشکار به‌طور معناداری بیشتر است. ($p=0/009$) از طرف دیگر میان هوش معنوی دانش‌آموزان ورزشکار نخبه و ورزشکار تفاوت معناداری وجود ندارد ($p=0/124$). همچنین، هوش معنوی دانش‌آموزان ورزشکار عادی و غیرورزشکار مقطع متوسطه تفاوت معناداری وجود ندارد. ($p=1/00$)



***: $p \leq 0.05$ (اختلاف بین گروه ورزشکار نخبه و گروه غیر ورزشکار)

شکل ۱: نمودار میانگین هوش معنوی دانش‌آموزان ورزشکار نخبه و ورزشکار عادی و غیرورزشکار

نتیجه دیگر این بود که میانگین درک و ارتباط با سرچشمه هستی، هوش معنوی دانش‌آموزان ورزشکار نخبه از دانش‌آموزان ورزشکار عادی، به‌طور معناداری بیشتر بود ($p=0/04$)؛ اما این اختلاف در دانش‌آموزان ورزشکار نخبه و غیرورزشکار ($p=0/58$) و همین‌طور دانش‌آموزان ورزشکار عادی و غیرورزشکار معنادار نبود ($p=0/54$).



*: $p \leq 0.05$ (اختلاف بین گروه ورزشکار نخبه و گروه ورزشکار عادی)

شکل ۲: میانگین نمره‌های خرده‌مقیاس درک و ارتباط با سرچشمه هستی دانش‌آموزان ورزشکار

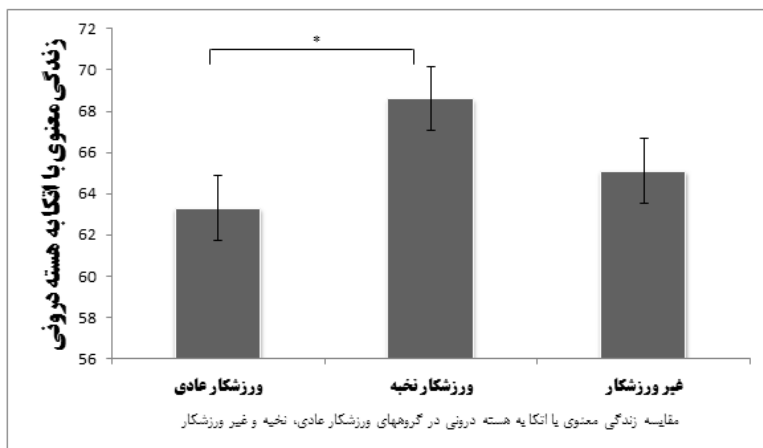
نخبه و ورزشکار عادی و غیرورزشکار

نتایج تحلیل واریانس یک‌راهه در جدول ۲ نشان می‌دهد که میانگین، بین زندگی معنوی با اتکا به هسته درونی دانش‌آموزان ورزشکار نخبه و ورزشکار عادی و غیرورزشکار تفاوت معناداری دارد ($p=0/030$ ، $F(2,85)=3/64$). برای تعیین منبع تفاوت بین گروه‌ها از آزمون تعقیبی شفه، به دلیل حجم نامساوی گروه‌ها استفاده شد.

جدول ۳: نتایج تحلیل واریانس یک‌راهه

منبع	SS	Df	MS	F	Sig.
بین‌گروهی	۵۲۶/۵	۲	۲۶۳/۲		
درون‌گروهی	۶۱۳۹/۷	۸۵	۷۲/۲	۳/۶۴	۰/۰۳۰
کل	۶۶۶۶/۳	۸۷			

نتایج آزمون تعقیبی شفه نشان داد که میانگین زندگی معنوی با اتکا به هسته درونی دانش‌آموزان ورزشکار نخبه از ورزشکاران عادی به‌طور معناداری بیشتر است ($p=0/048$). اما تفاوت معناداری بین میانگین زندگی معنوی با اتکا به هسته درونی دانش‌آموزان ورزشکار نخبه و دانش‌آموزان غیرورزشکار ($p=0/11$) و همین‌طور دانش‌آموزان ورزشکار عادی و غیرورزشکار وجود ندارد ($p=0/93$).



(اختلاف بین گروه ورزشکار نخبه و گروه ورزشکار عادی) $p \leq 0.05$ *

شکل ۳: نمودار میانگین نمره‌های خرده‌مقیاس زندگی معنوی با اتکا به هسته درونی

دانش‌آموزان ورزشکار نخبه و ورزشکار عادی و غیرورزشکار

نتیجه

هدف از این پژوهش مقایسه هوش معنوی دانش‌آموزان ورزشکار نخبه و عادی با غیرورزشکار مقطع متوسطه بود. نتایج به دست آمده از میانگین هوش معنوی در سه گروه دانش‌آموزان غیرورزشکار و ورزشکار نخبه و ورزشکار عادی نشان داد که بین هوش معنوی این سه گروه از دانش‌آموزان مقطع متوسطه تفاوت معناداری وجود دارد. به نحوی که هوش معنوی دانش‌آموزان ورزشکار نخبه از دانش‌آموزان غیرورزشکار، به طور معناداری بیشتر بود؛ اما بین میانگین هوش معنوی دانش‌آموزان ورزشکار نخبه و ورزشکار عادی تفاوت معناداری وجود نداشت. از طرف دیگر، ورزشکاران عادی و غیرورزشکاران از نظر هوش معنوی اختلاف معناداری نداشتند. در همین راستا،

عظیمی و همکاران (۲۰۱۴) نیز نشان دادند که معنویت و همدلی در معلولان ورزشکار در مقایسه با معلولان غیرورزشکار بیشتر است که این یافته مطابق نتیجه پژوهش حاضر است. همچنین، نتایج این پژوهش درخصوص برتری هوش معنوی در دانش‌آموزان نخبه ورزشکار مطابق نتایج دودو و همکاران (۲۰۱۵) است که نشان دادند، اجرای آیین‌های مذهبی میان بازیکنان نخبه فوتبالیست، آمادگی‌های روانی زیادی، مانند کاهش ترس و اضطراب و کاهش آسیب و بُرد بیشتر را به‌همراه داشته است. بنابراین، می‌توان توجیه کرد که معنویت تأثیر بسزایی در موفقیت دانش‌آموزان ورزشکار داشته و تفاوتی را بین دانش‌آموزان نخبه ورزشکار و دانش‌آموزان ورزشکار ایجاد کرده است.

نتایج پژوهش حاضر با یافته‌های پژوهش بهروزی و همکاران (۱۳۹۲) نیز هم‌راستا است. آن‌ها در پژوهش خود نشان دادند که ارتباط معناداری بین هوش معنوی و تاب‌آوری وجود دارد. یافته‌های این تحقیق نیز حاکی از این بود که افرادی که از لحاظ هوش معنوی در سطح بالایی قرار دارند در موقعیت‌های سخت، تحمل بیشتری دارند که یکی از رمزهای موفقیت ورزشکاران نخبه است. این نتیجه با نتایج واتسون و همکاران (۲۰۰۵) نیز همگرایی دارد که به ترتیب نشان دادند، ورزش و فعالیت بدنی نقشی مهمی در حالت‌های عرفانی و تجربه‌های معنایی دارد و همین‌طور هوش معنوی می‌تواند بر تربیت افراد تأثیرگذار باشد. نتیجه به‌دست‌آمده از میانگین خرده‌مقیاس درک و ارتباط با سرچشمه هستی، هوش معنوی در سه گروه دانش‌آموزان غیرورزشکار و ورزشکار نخبه و ورزشکار عادی نشان داد، بین درک و ارتباط با سرچشمه هستی، میان هوش معنوی این سه گروه تفاوت معناداری وجود دارد. به‌نحوی که میانگین هوش معنوی دانش‌آموزان ورزشکار نخبه از

دانش‌آموزان ورزشکار عادی بهتر بود. درخصوص خرده‌مقیاس زندگی معنوی با اتکا به هسته درونی نیز، نتایج نشان داد که دانش‌آموزان ورزشکار نخبه از دانش‌آموزان ورزشکار عادی به‌طور معناداری وضعیت مطلوب‌تری دارند.

در ورزش و فعالیت بدنی به این متغیرها، از جمله معنویت و فعالیت بدنی و نقش آن در حالت‌های روحی‌روانی ورزشکاران توجه نشده است؛ درحالی‌که به‌نظر می‌رسد، این متغیرها نقش مؤثرتری در تعادل روانی ورزشکاران ایفا می‌کنند. از جمله صفاتی که روان‌شناسان برای افراد با هوش معنوی زیاد نام می‌برند، خودکنترلی است. دنسون و همکاران (۲۰۱۲) نشان دادند که یکی از ویژگی‌هایی که در ورزشکاران با هوش معنوی زیاد مشاهده می‌شود، کاهش پرخاشگری است که زمینه موفقیت در ورزش را ایجاد می‌کند (دنسون و توماس، ۲۰۱۲). به‌طورکلی می‌توان پیدایش سازه هوش معنوی را به‌عنوان کاربرد ظرفیت‌ها و منابع معنوی در زمینه‌ها و موقعیت‌های علمی در نظر گرفت. هوش معنوی به‌عنوان هوش مکمل، در فرایند تصمیم‌گیری افراد نقش بسزایی دارد و افراد را در حل مسائل یاری می‌دهد و دارای ابعاد گوناگونی است. هوش معنوی کاملاً منحصر به فرد و مربوط به انسان است و در واقع گفته می‌شود که هوش عمومی و هوش هیجانی پاسخ‌گوی همه چیز نیستند؛ بلکه انسان به عامل عمومی هم نیازمند است که هوش معنوی نامیده می‌شود.

پژوهش‌هایی در زمینه اثر ورزش بر ویژگی‌های روانی و اجتماعی و مقایسه این ویژگی‌ها بین ورزشکاران و غیرورزشکاران انجام گرفته است که نشان می‌دهد، فعالیت‌های ورزشی بر ابعاد گوناگون زندگی روانی و اجتماعی افراد تأثیر می‌گذارد (مشهوری، ۱۳۸۰). ورزشکاران در ارتباط و رویارویی

بیشتری با دیگران هستند و اغلب، با هم تیمی‌ها و مربیان و همراهان‌شان به همدلی متقابل نیاز دارند. ورزشکاران با هوش معنوی زیاد، به دلیل داشتن تفکر گسترده و رابطه با دیگران و دنیای اطراف، قادر به شناسایی رفتار مخرب و منفی دیگران هستند. براساس دیدگاه ایمونز سازگاری اجتماعی و همدردی متقابل از مصداق‌های هوش معنوی مطلوب است که از کارکردهای اصلی ورزش نیز به‌شما می‌رود. دیدگاه فریدمن و مک‌دونالد نیز مبین این است که هوش معنوی زمینه‌ساز تمرکز و سطوح چندگانه هوشیاری را در افراد به‌دنبال دارد. بنابراین، برتری هوش معنوی در افراد ورزشکار نخبه منطقی به‌نظر می‌رسد (آمرام، ۲۰۰۵). نوبل و وگان بر این باورند که مؤلفه‌های هشت‌گانه مرتبط با هوش معنوی رشد یافته عبارت‌اند از: درستی و صراحت، تمامیت، تواضع، مهربانی، سخاوت، تحمل، مقاومت و پایداری و نیز تمایل به برطرف کردن نیازهای دیگران (به نقل از: ناسل، ۲۰۰۴).

با توجه به مطالب بیان شده، می‌توان نتیجه گرفت که شناخت و بررسی مؤلفه‌های روانی گوناگون، از جمله هوش معنوی و موفقیت ورزشی که پژوهشگر در پژوهش حاضر به‌دنبال آن است، می‌تواند در موفقیت و رفتار افراد ورزشکار، نه تنها در موقعیت مسابقه، بلکه در زندگی اجتماعی آن‌ها نیز تأثیرگذار باشد و صفتی برای تمایز بین افراد ورزشکار و غیرورزشکار محسوب شود. نازل (۲۰۰۴) معتقد است که هوش معنوی، ترکیبی از روان و جنبه‌های ناملموس همراه با افراد در نزدیک شدن به دنیای معقول و ملموس خودشان است. یک فرد با هوش معنوی زیاد دارای انعطاف‌پذیری نهفته زیاد، خودآگاهی و ظرفیت ایدئال برای مقابله با مشکلات و سختی‌هاست که احتمالاً یک دلیل برای نخبگی دانش‌آموزان ورزشکار، معنویت زیاد آن‌هاست.

همچنین، می‌توان گفت که کشف وجود تجربه‌های معنوی افراد، زمینه‌هایی برای باورپذیری وجود هوش معنوی ایجاد می‌کند.

در پایان، باید گفت که مطرح شدن هوش معنوی در حوزه ورزش، زمینه‌های جدیدی را برای پژوهشگران فراهم می‌کند تا درباره نقش معنویت در رفتار ورزشکاران بررسی‌های جدیدی کنند و به برخی پرسش‌ها در این زمینه پاسخ دهند. همان‌طور که بیان شد، ریشه‌های هوش معنوی در افراد نخبه ورزشکار، یکی از دلایل احتمالی است که زمینه برتری در عرصه‌های ورزشی را برای ورزشکاران نخبه مهیا می‌کند. بنابراین، تقویت باورهای دینی و مذهبی که زمینه‌ساز ارتقای هوش معنوی است، باید در دستور کار مربیان ورزشکاران قهرمان قرار گیرد. همچنین، ذکر این نکته الزامی است که این پژوهش‌ها و محدودیت‌هایی داشته است؛ همچون در دسترس نبودن ابزار هنجاریابی شده برای سنجش هوش معنوی، استفاده از ابزار خودگزارشی، مقطعی بودن این پژوهش و استفاده از طرح همبستگی برای نشان دادن رابطه بین متغیرها. از این رو، به منظور قطعیت بیشتر در تصمیم‌گیری، انجام پژوهش‌های طولی ضروری و منشأ اثر خواهد بود.

1. Gharamaleki, et.al (2014). The relationship between spiritual intelligence with religious style in Tabriz university students. 1st national cognitive science in education. [Persian].
2. King, D.B. (2008). Personal meaning production as a component of spiritual intelligence. Proceeding of the 5th Biennial International Conference on Personal Meaning. July 24-27, Toronto, Ontario, Canada.
3. Mark Howard Anshel. (1997). Sport Psychology: From Theory to Practice, Gorsuch Scarisbrick, Publishers, Sports - 432 pages.
4. Zohar, D, and Marshall, I. (2000). "SQ connecting with our spiritual intelligence" New York, Bloomsbury.
5. Watson, NJ; Nesti, M. (2005). The role of spirituality in sport psychology consulting: An analysis and Integrative Reveiw of Literature, Journal of Applied Sport Psychology, 17. Pp 228-239.
6. Nasel, D. (2004). Spiritual orientation in relation to spiritual intelligence: A consideration of traditional, Christianity and new age/individualistic spirituality, Unpublished Doctoral Dissertation, University of South Australia.

7. King, D.B, De Cicco, TL. (2009). A viable model and self-report measure of spiritual, Trent University, Peterborough, Canada. *Int J Transpers Stud.* 28: 68-85.
7. Azimi Leyla, Reza Nikbakhsh, Batool Moshref Javadi. (۲۰۱۴). The Relationship between Spirituality with Personality Traits on Elite Disable Athletes and Non-Athletes Disables. *International Journal of Basic Sciences & Applied Research.* Vol., 3 (8), 565-568.
9. Behroozi, H, et.al. (1392). The relationship between spiritual intelligence and aggression in adolescent boy football players. *Sport psychology studies journal*, 6 (81-94). [Persian].
10. Dodo, E.O. Lyoka, P.A - Chetty, I.G, Goon, D. (2015). T An exploration of the perceptions of spiritual rituals among elite players and coaches associated with religiosity or psychological variables : sport psychology. *African Journal for Physical Health Education, Recreation and Dance* Vol 21, 103-127.
11. Abdollahzadeh, et.al. (1387). spiritual intelligence (concepts, messures, and application). 1st edition, psychometry publication. [Persian]
12. Amram, Y., & Dryer, C. (2008). The Integrated Spiritual Intelligence Scale (ISIS): Development and preliminary validation. Paper presented at the 116th Annual (August 2008)

Conference of the American Psychological Association,
Boston, MA.

13. Denson, Thomas F.; C. Nathan DeWall, Eli J. Finkel. (2012).
Self-Control and Aggression. Current Directions in
Psychological Science .21(1). 20 –25

14. Mashhoori, M. (1380). considering the personality traits of
athlete and non athlete students of Tehran university. MS thesis,
p 7-15.

15. Amram, Joesph, Yosi (2005), Intelligence beyond IQ: The
contribution of Emotional and spiritual intelligence to effective
business leadership.

